ذره‌بین

مانور کرونا در سرزمین ژرمن‌ها

شاخص ابتلا به کرونا در آلمان بار دیگر از مرز خطر گذشت و به ۶۰/۲ در ۱۰۰هزار نفر بالغ شد. موسسه ویروس‌شناسی کخ از ۱۴۵ مورد مرگ و ثبت ۷۶۷۶ ابتلای تازه در یک شبانه روز خبر داد. آمار جان‌باختگان به ۶۷هزار و ۸۴۱ نفر رسید.

به گزارش دویچه وله، میانگین ابتلا به کرونا در آلمان، برای دومین روز متوالی از حد نصاب خطر عبور کرد. موسسه روبرت کخ این نرخ در شبانه روز اخیر را ۶۰/۲ درصد اعلام کرد. روز شنبه شاخص مربوطه ۵۷/۸ عنوان شده بود. این در حالی است که در روزهای تعطیل آخر هفته و به دلیل انجام کمتر تست‌ها، آمارها سیر نزولی می‌یابد.

در قیاس با آمار یکشنبه گذشته، میزان ابتلا به کرونا ۱۵۶۲ مورد افزایش نشان می‌دهد. هفته قبل، ظرف ۲۴ ساعت، موارد تازه بیماری ۶۱۱۴ نفر و تعداد جان‌باختگان ۲۱۸ نفر بود. بیشترین میزان مرگ و میر روزانه کرونایی در آلمان به ۱۴ ژانویه مربوط است که ۱۲۴۴ نفر درگذشتند. رکورد ابتلا به کرونا در ۲۴ ساعت نیز به ۱۸ دسامبر تعلق دارد؛ روزی که ۳۳ هزار و ۷۷۷ مورد بیماری ثبت شد. این آمار البته شامل ۳۵۰۰ مورد ثبت دیرهنگام ابتلا بود.

نرخ قابل قبول در آلمان ۵۰ ابتلا به ازای ۱۰۰هزار نفر تعیین شده و شاخص روز یکشنبه با وجود روند صعودی به نسبت روزهای قبل، فاصله زیادی با رکورد ماه دسامبر دارد. در ۲۲ دسامبر ۲۰۲، این شاخص به ۱۹۷/۶ رسید.

از ابتدای همه‌گیری تاکنون، دو میلیون و ۳۸۶هزار و ۵۵۹ مورد ابتلا به کووید-۱۹ در آلمان ثبت شده اما به دلیل آن‌که همه موارد ابتلا شناسایی نشده‌اند، آمار واقعی می‌تواند بیش از این باشد. ۶۷هزار و ۸۴۱ نفر در این میان بر اثر مستقیم عفونت یا تشدید بیماری‌های زمینه‌ای، جان خود را از دست داده‌اند. انستیتو کخ هم‌چنین هشدار داده که نرخ سرایت در هفته جاری در سراسر آلمان بالاتر رفته است. طبق اعلام این موسسه، رقم ۱/۰۱ که چند هفته ثابت مانده بود به ۱/۰۷ رسیده است. این شاخص بدان معناست که هر ۱۰۰ فرد مبتلا، ۱۰۷ نفر دیگر را به ویروس آلوده کرده‌اند. این هشدار بیانگر آن است که با وجود مقررات سختگیرانه و محدودیت‌های ارتباطی، ویروس هم‌چنان در حال چرخش است. علاوه بر آلمان، در بسیاری از کشورهای اروپایی، ویروس کرونا منجر به مرگ یا ابتلای بسیاری از شهروندان شده است. موضوعی که منجر به بروز بحران‌های درمانی-اجتماعی مستمر و مزمنی در این منطقه شده است.

گسترش ویروس جهش یافته

در هفته‌های گذشته ویروس جهش یافته کرونا در شهرهای متعددی گسترش پیدا کرد. دو ویروس جهش یافته کرونا قدرت سرایت بیشتری از نوع قدیمی این ویروس دارند و در نتیجه می‌توانند سریعتر پخش شوند. به عنوان مثال دانمارک اعلام کرده که تا اوایل ماه مارس (ماه آینده میلادی) ۸۰ درصد مبتلایان جدید کرونا با ویروس B.1.1.7 به بیماری کووید-۱۹ مبتلا می‌شوند. به همین دلیل محققان دانمارکی بررسی کرده‌اند که ویروس جهش یافته تا چه حد مسری‌تر از ویروس قبلی است. بر اساس تحقیقات آنها در حالی که در حال حاضر رقم سرایت ویروس کرونا در دانمارک زیر قوانین شدید محدودکننده کمتر از یک است (یعنی هر بیمار کمتر از یک نفر دیگر را مبتلا می‌کند) محققان تخمین زده‌اند که این رقم با ویروس بریتانیایی ۱/۱۴ خواهد بود و این بدان معناست که ویروس جهش یافته علیرغم تعطیلی‌ها گسترش خواهد یافت.

موسسه روبرت کخ در پاسخ پرسش سایت تاگس شاو گفته چنین بررسی تا کنون در آلمان انجام نشده اما مسلم است که این موسسه و دیگر نهادهای تحقیقاتی این موضوع را زیر نظر دارند.

از ابتدای شیوع تا کنون بالاترین رقم ثبت شده مبتلایان جدید مربوط به روز ۱۸ دسامبر با ۳۳ هزار و ۷۷۷ نفر بود.

دادگاه نتانیاهو برگزار می‌شود

وکلای «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با فشارهای فراوان به دادگاه قدس اشغالی، توانستند روند رسیدگی به پرونده‌های فساد وی را به تعویق بیندازند. وکلای نتانیاهو مدعی بودند که برگزاری دادگاه پیش انتخابات سراسری در فلسطین اشغالی (۲۳ مارس) می‌تواند تاثیر منفی بر آرای حزب نتانیاهو بگذارد. تاریخ جدید دادگاه البته کمتر از دو هفته بعد از انتخابات خواهد بود. روند رسیدگی به پرونده‌های فساد نتانیاهو به مدت یک ماه و نیم و هر جلسه به مدت زمان یک ساعت ادامه پیدا می‌کند./فارس

کودتای قبائل علیه ائتلاف سعودی در مأرب

قبائل به عنوان رکن اصلی جامعه یمن، سهم بالایی در معادلات جنگ و درگیری‌ها دارند، اما در مأرب علی‌رغم روابط تاریخی، به نفع ائتلاف سعودی عمل نمی‌کنند. سیر تحولات در استان مأرب بسیار سریع اتفاق می‌افتد و نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی به ۱۰ کیلومتری شهر مأرب رسیده‌اند و در این شرایط منابع محلی خبر می‌دهند که قبائل مأرب یکی پس از دیگری اقدام به امضای توافق صلح با دولت صنعاء کرده و از جنگ کنار می‌کشند./الاخبار

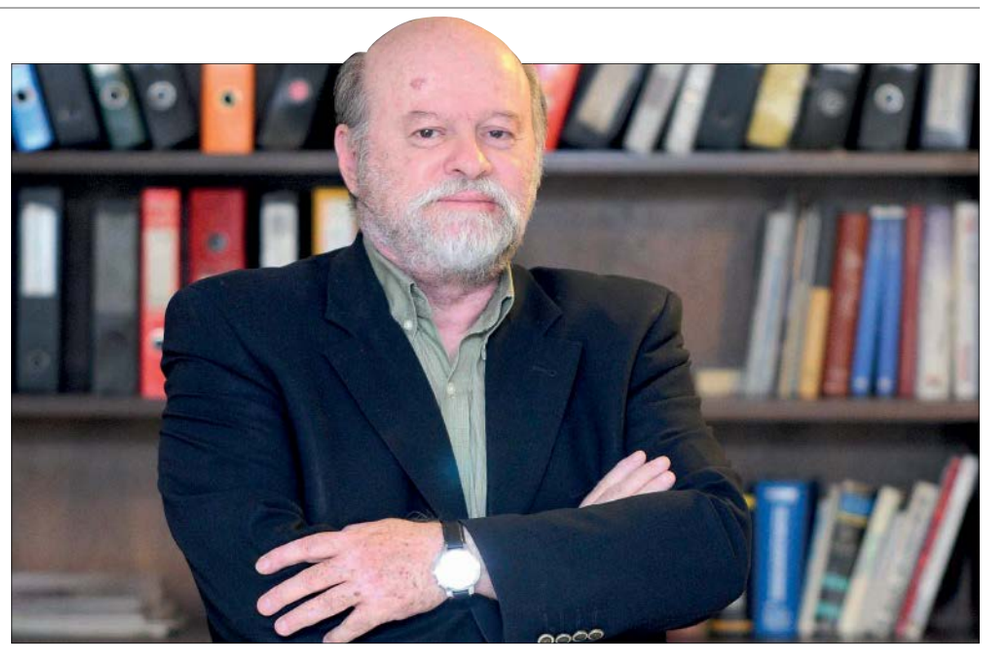

درباره انیس نقاش که تا آخرین لحظه زندگی خود از مبارزه با رژیم صهیونیستی دست نکشید

فدایی مقاومت

محمد علیزاده

بین‌الملل

درگذشت انیس نقاش، مبارز خستگی‌ناپذیر لبنانی و تحلیلگر برجسته جبهه مقاومت، منجر به حزن و اندوه هواداران بی‌شمار حزب‌ا... و دیگر گروه‌های مقاومت در منطقه شده است. از انیس نقاش به عنوان فردی یاد می‌شود که هرگز و تحت هیچ شرایطی، تسلیم وعده‌ها و تهدیدات رژیم اشغالگر قدس و مهره‌های این رژیم در بیروت نشد و لحظه‌ای دست از حمایت از مقاومت نکشید.

«انیس نقاش» مبارز سرشناس لبنانی به علت ابتلا به کرونا در بیمارستانی در دمشق درگذشت. فردی که تمام روزهای عمر خود را در راه مبارزه با رژیم صهیونیستی در عرصه‌های مختلف صرف کرد. انیس نقاش در سال ۱۹۵۱ در بیروت به دنیا آمد و در مدرسه «المقاصد الاسلامیه» در بیروت درس خواند. در همان کودکی در تظاهراتی برای حمایت «جمیله بوحیرد» انقلابی سرشناس الجزائری علیه استعمار فرانسه شرکت کرد .در سال ۱۹۶۴ به طور مخفیانه به جنبش «فتح» پیوست و گروه «خلیه المقاصد» را تأسیس کرد. چند سال بعد در سال ۱۹۶۹ در اعتراض به سکوت دولت لبنان و کشورهای عربی در خصوص حمله نیروهای کماندوی رژیم صهیونیستی به فرودگاه بیروت دست به اعتصاب غذا زد، تا جایی که کارش به بیمارستان کشید. همان سال نیز فعالیت نظامی خود علیه رژیم صهیونیستی را آغاز کرد. مسیری که تا آخرین لحظه عمر وی ادامه پیدا کرد.

انیس نقاش در خصوص حاج قاسم چه گفت؟

انیس نقاش سال ۱۳۹۸ و در خصوص آخرین دیدار خود با شهید سپهبد سلیمانی قبل از شهادت ایشان اظهار کرد:

«حاج قاسم همواره بر اهمیت دفاع از مردم مظلوم فلسطین تاکید داشت و در آخرین دیدارش به ما گفت که فلسطین بزرگترین مسؤولیتی است که بر گردن ما نهاده شده و در آخرت اولین چیزی که از ما خواهند پرسید، درباره دفاع از مردم مظلوم فلسطین در برابر اسرائیل است. این موضوع‌گیری‌های شهید سلیمانی نشان می‌دهد که او به خوبی مسیر تعالی را می‌شناخت و همواره در این مسیر و مبارزه با دشمنان جهان اسلام گام بر می‌داشت.»

روایت انیس نقاش از حاج رضوان

انیس نقاش و شهید عماد مغنیه، ارتباط بسیار صمیمانه‌ای با یکدیگر داشتند. این تحلیلگر برجسته لبنانی در یکی از مصاحبه‌های قبلی خود با شبکه المیادین در خصوص آشنایی با شهید مغنیه (حاج رضوان) می‌گوید:

«حدودا سال ۱۳۵۵، که من عضو سازمان الفتح به رهبری یاسر عرفات بودم و مسؤولیت آموزش نیروهایی را در اردوگاهی در جنوب لبنان برعهده داشتم، او آمد پیش من؛ سنش تقریبا پانزده سال و نیم این طورها بود. آن زمان اکثر گروه‌های مبارز، چپی‌ها و کمونیست‌ها بودند و بچه‌های مومن (مسلمان) در بیروت خیلی کم بودند. عماد آمد و گفت: ما یک گروه از بچه‌های مومن هستیم، به من آموزش نظامی بدهید، من می‌خواهم با صهیونیست‌ها بجنگم. من قبول کردم. او (حاج رضوان) بی‌نظیر و از مردان خدا بود...»

حسن عزالدین عضو فراکسیون وفاداری به مقاومت در گفت‌وگو با العالم اظهار کرد: «انیس نقاش مبارزی جهادگر بود که زندگی خود را برای دفاع از فقرا و رنجدیدگان و مقابله با ستمگران و مستکبران گذراند. فلسطین تنها هدف وی بود و از این رو هفت دهه از عمر ارزشمندش را در این راه صرف کرد.»

انیس نقاش هرگز از مسیر مقاومت منحرف نشد

عدنان منصور وزیر خارجه سابق لبنان در خصوص شخصیت انیس نقاش و مبارزات وی علیه رژیم صهیونیستی به جام جم می‌گوید: «رحلت انیس نقاش این مبارز راه حق و فعال جبهه مقاومت را تسلیت می‌گویم. مدت‌هاست این مبارز بزرگ را می‌شناختم. او مرد روزهای سخت بود. کسی که لحظه‌ای از آرمان‌های مقاومت و اهداف بزرگ خود منحرف نشد. کسی که با سیاست‌های اشغالگرایانه رژیم صهیونیستی به معنای واقعی مبارزه کرد. انیس نقاش خواب راحت را از کشورهای غربی که از جنایات صهیونیست‌ها حمایت می‌کردند نیز ربوده بود. او تا آخرین لحظه از زندگی خود، به اصول و ارزشهای خویش وفادار ماند.»

عدنان منصور در این خصوص افزود: «انیس نقاش باتوجه به نقش برجسته‌ای که در تشریح مواضع جبهه مقاومت برای عموم داشت و با توجه به دیدگاه فکری عمیق خود در خصوص جبهه مقاومت، توانست ذهن بسیاری از مردم را در منطقه و جهان نسبت به حقانیت مقاومت روشن کند. او به افکار عمومی یادآوری کرد که باید در مقابل استبداد و اشغالگری بایستند و محصول وادادگی در برابر ظلم و اشغالگری صهیونیست‌ها و حامیان آنها، چیزی جز شکست و تباهی نخواهد بود.»

انیس نقاش هیچ‌گاه خسته نشد

فادی اسماعیل بودیه تحلیلگر لبنانی و مدیر مسؤول مجله لبنانی المرایا نیز در خصوص انیس نقاش و شخصیت وی به جام جم می‌گوید: «انیس نقاش هم یک مبارز و هم یک متفکر بود. او با فکر و عمل خویش در مقابل صهیونیست‌ها ایستاد. وی پس از راه‌اندازی مرکزی پژوهشی به نام شبکه امان، مباحث زیادی را در خصوص بحران‌های منطقه و چرایی تقویت این بحران‌ها توسط رژیم صهیونیستی و ایالات متحده مطرح کرد. او ذهن مردم را در خصوص جنایات رژیم صهیونیستی و واشنگتن روشن می‌کرد و تحلیل‌هایش به دلیل این‌که بر مدار حقانیت و استدلال استوار بود، بر دلها می‌نشست.»

فادی بودیه افزود: «انیس نقاش از مردم منطقه می‌خواست تا سرنوشت خود را به دست خود تعیین کنند و تسلیم کسانی که دم از سازش با اشغالگران می‌زنند، نشوند. او معتقد بود که محور مقاومت، تنها امید واقعی مردم برای آزادسازی اراضی اشغالی و قدس شریف محسوب می‌شود و نباید لحظه‌ای این محور مقدس را در دفاع از حرمت و آبروی جهان اسلام تنها گذاشت.»

پروفسور جان دان، استاد دانشگاه کمبریج انگلستان در مصاحبه اختصاصی با آکادمی هوش مالی

مقصران کم سوادی مالی مردم انگلیس مدرسه، دانشگاه و خانواده

الهام میرمحمدی

کارشناس آکادمی هوش مالی

سوادمالی مقوله‌ای ضروری برای مردم همه کشورهاست اما جوامع مختلف، رویکرد متفاوتی به آن دارند و مردم در مسیر کسب آگاهی‌های مالی با موانعی دست به گریبان‌اند. برای آشنایی با سوادمالی در کشورهای مختلف، شناخت الگوها و بهره‌وری از آنها، آکادمی هوش‌مالی در مجموعه گفت‌وگوهایی اختصاصی با صاحب‌نظران کشورهای مختلف، رویکردها ومسائل موجود در دیگر نقاط جهان را بررسی می‌کند. در این قسمت، پروفسور جان دان، استاد دانشگاه کمبریج که شناخت کافی از مردم و ساختار حاکمیتی انگلستان دارد از سوادمالی در این کشور می‌گوید. آنچه در ادامه می‌آید مصاحبه اختصاصی آکادمی هوش‌مالی با این استاد دانشگاه است.

سطح سوادمالی مردم انگلستان را چطور ارزیابی می‌کنید؟

تحقیقاتی که اخیرا در این زمینه انجام‌شده، نشان می‌دهد سوادمالی بخش عمده‌ای از جمعیت کشور انگلستان کم است. آنها درباره بسیاری از امورمالی از جمله پس‌انداز، بیمه، سرمایه‌گذاری و نحوه استفاده از حساب‌های بانکی دانش چندانی ندارند و مهارت‌شان کافی نیست. نداشتن مهارت‌های مالی، مردم را به‌شدت آسیب‌پذیرکرده و به همین دلیل، آنها نمی‌توانند زندگی‌شان را به‌درستی مدیریت کنند.

فکر می‌کنم تأثیر اقتصادی همه‌گیری کرونا به‌خوبی نشان داد که آموزش سوادمالی به مردم چقدر مهم است. کسانی که زندگی معمولی دارند پس از شیوع کووید-۱۹ توانایی تطبیق‌پذیری با وضعیت موجود را ندارند. در واقع به آنها آموزش داده‌نشده در موقعیت‌های سخت، چطور خود را سازگار کنند و از عهده مدیریت امورمالی برآیند. هرچه سوادمالی مردم بیشتر باشد، انعطاف‌پذیری مالی هم افزایش می‌یابد و این موضوع در دوران سخت، به‌ویژه همه‌گیری‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است.

افزایش سوادمالی مردم چه ضرورتی دارد؟

اخیرا در زمینه افزایش سوادمالی مردم انگلستان تلاش‌هایی شده است. مؤسسه‌هایی تأسیس شده‌اند تا مهارت‌های مالی را به مردم آموزش دهند و آنها را توانمند کنند. میزان کنترل مردم بر امور زندگی‌شان اهمیت بسیاری دارد. استفاده از پول، مقدار پس‌انداز، هزینه‌کرد بهینه و کنترل منابع درآمد ازجمله مهارت‌های مالی است که در خانواده یا مدرسه باید آموزش داده شود؛ البته بعضی افراد در یادگیری این مهارت‌ها باهوش‌ترند و عملکرد سریع‌تری دارند.

مهم است مهارت‌های مالی که مردم را به‌سوی زندگی خوب سوق می‌دهد به شهروندان انگلیسی آموزش داده شود. بعضی از مدارس انگلستان در ارائه و آموزش این مهارت‌ها به دانش‌آموزان خوب عمل می‌کنند و برخی دیگر عملکرد خوبی ندارند. جالب اینجاست که مدارس با عملکرد خوب اغلب در مناطق ثروتمند و مدارس با عملکرد ضعیف در مناطق فقیرنشین کشور واقع شده است.

به دلیل شکست سیاست‌های نظام آموزش دولتی در ۳۰ سال گذشته، آسیب‌پذیری مردم انگلستان در مواجهه با تأثیرات اقتصادی همه‌گیری کرونا افزایش یافته است. ناموفق‌بودن این سیاست‌ها را نمی‌شود به حزب سیاسی خاصی نسبت داد، بلکه این شکست به‌طور کلی به بخش آموزش دولتی انگلستان مربوط است. اگر مدارس منابع بیشتری داشتند به‌درستی مدیریت می‌شدند و از معلم‌ها نیز بیشتر حمایت می‌شد، خیلی موفق‌تر عمل می‌کردند. شاید خانواده‌ها نیز تا اندازه‌ای مقصر باشند اما قطعا شکست نظام آموزش، مدرسه‌ها و همین‌طور دانشگاه‌ها، مهم‌ترین دلیل افزایش آسیب‌پذیری مردم انگلستان پس از شیوع کووید-۱۹ است.

از بین زنان و مردان انگلیسی، کدام گروه باسوادترند؟

سطح سواد مالی زنان در جوامع مختلف، متفاوت است؛ اما در انگلستان، به طور متوسط سواد مالی زنان کمتر از مردان است، در حالی که در کشورهای آفریقایی این‌گونه نیست. سواد مالی در این کشورها به شکل گسترده‌ای به زنان منتقل شده و بسیاری از کسب‌وکارهای خرد در اختیار زنان است. آنها به‌خوبی از عهده فعالیت‌های اقتصادی برمی‌آیند. شیوه‌های ارتباطی مدرن، مانند تلفن‌همراه نیز بخش مولدی به سازماندهی امور مالی و دریافت وام اضافه کرده است. بر اساس شواهد اقتصادی در آفریقا و آسیا، یکی از مؤثرترین روش‌ها برای بهبود اثربخشی و کارایی اقتصادی مردم هر کشور، افزایش تعداد زنان تحصیلکرده است.

در گذشته، در بعضی خانواده‌های طبقه متوسط و مرفه انگلستان، زنان کار نمی‌کردند. این مقوله نسبت به گذشته کاهش یافته اما در ساختارهایی که مردان مسؤول کسب درآمد خانواده هستند، خیلی عادی است که زنان مسؤولیت‌های مالی بر عهده نداشته باشند.

در ۷۵ سال گذشته، این الگوی رفتاری در تمام جامعه رایج بود، البته استثناهایی نیز وجود داشت. در بعضی خانواده‌ها زنان نسبت به مردان مولدتر بودند. این روزها چندان مرسوم نیست که مردها در نقش رهبر خانواده، تمام منابع درآمد خانه را کنترل کنند. همچنین تعداد زنانی که به‌صورت همیشگی خارج از خانه کار نمی‌کنند، بسیار کم است. بیشتر زنان، دست‌کم در مقطعی از زندگی، شغل و درآمد دارند و فقط وقتی فرزندشان هنوز کوچک است، به‌طور موقت کارشان را ترک می‌کنند. با این حال، نابرابری در توزیع ثروت و درآمد میان زنان و مردان همچنان وجود دارد و به نفع مردان است.

عادت به پس‌انداز چقدر در بین مردم رایج است؟

اتفاق بزرگی که در تاریخ سیاسی این کشور رخ‌داد، تاسیس دولت رفاه است. دولت رفاه قصد داشت امنیت همه مردم را تضمین کند. این وضعیت همچنان به قوت خود باقی است اما متوسط سطح زندگی مردم در حال حاضر بالاتر است. اعمال سیاست‌های دولت باعث شده طبقه فقیر، که یک‌سوم جمعیت را تشکیل می‌دهند، نتوانند پس‌انداز کنند. آنها یا کار نمی‌کنند یا امنیت شغلی ندارند. شاید بشود گفت تاسیس دولت رفاه موجب شده فشار برای پس‌انداز روی مردم کمتر باشد. آنها در دوران ترس و امید پس‌انداز می‌کنند، البته در دوران ترس، بیشتر مایل به این کار هستند. طبقه ثروتمند که آنها نیز تقریبا یک‌سوم جمعیت انگلستان هستند، توانایی بیشتری برای پس‌انداز دارند و بیشتر پس‌انداز می‌کنند اما طبقه فقیر، توان کمتری برای پس‌انداز دارند و تغییر ناگهانی اوضاع، شوک بزرگی به آنها وارد می‌کند. همان طور که قبلا اشاره کردم، یک‌سوم جمعیت انگلستان درواقع هیچ سهمی در اقتصاد کشور ندارند؛ بلکه کاملا به آن وابسته‌اند. بنابراین، به حداقل امکانات رفاهی دولت نیاز دارند. دریافت کمک‌های دولت باعث می‌شود آنها گرسنه نباشند و نیازهای حداقلی‌شان رفع شود اما تعداد کسانی که در خیابان‌ها زندگی می‌کنند، در ۱۰ سال گذشته افزایش یافته که نتیجه مجموعه‌ای از سیاست‌های اشتباه دولت است. هرچند بخشی از این اتفاقات پیامد اقدامات و اشتباه‌های شخصی خود آنهاست، قطعا شکست سیاست‌های دولت نقش پررنگ‌تری دارد. از سوی دیگر، طبقه ثروتمند نیز به همان اندازه مقصرند اما این کوتاهی، تأثیر چندانی بر آنها نمی‌گذارد و در معرض ریسک و خطر قرار نمی‌گیرند. بنابراین، تقابل چشمگیری در فرصت‌ها و تهدیدها به وجود می‌آید. به عقیده من، تجربه بلندمدت موجودیت دولت رفاه، فرهنگی را در میان مردم کمتر موفق کشور یا درواقع فقیر به وجود می‌آورد که باعث می‌شود کمتر تلاش کنند؛ چون در نهایت به آنها غذا داده می‌شود و زنده می‌مانند. این ساختار خطرناک به این دلیل به‌وجودآمده که فرصت‌های اندکی نصیب طبقه فقیر شده و به همین دلیل، آنها دلسرد شده‌اند. از این رو می‌شود از دو زاویه به این موضوع نگاه کرد؛ یا این شکست را به بخشی از سیاست‌های دولت و سیاستمداران نسبت داد یا به اشتباه‌های شخصی مردم.